

تلاش و سختی فقط در مسیر الهی می‌ارزد

احمد عبداللّٰه! در ادامه مرور سوره‌های کوچک قرآن کریم، آیات ۶ تا ۸ سوره مبارک شرح را باهم تلاوت می‌کنیم که خداوند متعال می‌فرماید: «این‌مع‌العسریرسه‌فاذا فرغت فانصب» وای! یک فارغی به هر دشواری آسانی است؛ پس هر وقت [از کاری] فراغت یابی، [برای کار جدید] خود را به تعب انداز و با رغبت و اشتیاق به سوی پروردگارت، روی آور!» گفتیم که خداوند متعال سنت خود را بر این قرار داده است که سختی‌ها و مشکلات، زوال‌پذیر باشند و تبدیل به آسانی شوند. در آیه ششم هم خداوند این وعده را تکرار می‌کند تا مشخص شود که این امر، یک اصل قرآنی است. از نظر روانی، هنگام برخورد با مشکلات نباید تمام ذهن ما متوجه آن مشکلات شود، بلکه باید به سهولت‌های پس از آن که از وعده‌های الهی است، نیز توجه کنیم. همچنین کلمه «مع» ممکن است به معنای سبب باشد، یعنی هر سختی در درون خود، تجربه‌ها و سازندگی‌هایی دارد و باعث آسانی بعد از خودش خواهد بود، صبر و ظفر دوستان قدیم هستند؛ بر اثر صبر، نوبت ظفر آید. نکته دیگر آیات، این است که انسان باید بعد از فارغ شدن از هر کار و مسئولیتی، آماده پذیرش مسئولیتی دیگر و تلاش و کوششی دیگر باشد. خداوند به پیامبر خود توصیه می‌کند که هیچ‌گاه دست از تلاش و کوشش نکشد و همیشه در مسیر الهی‌گام بردارد. تلاش‌ها باید جهت الهی داشته و همراه با اخلاص باشد و برای توجه به خداوند، باید نهایت تلاش را به‌کاربرد. پیمودن راه خداوند باید عاشقانه و با رغبت باشد؛ زیرا رغبت‌ها و تمایلات، تنها سزاوارست نه دیگران.

حکمت

چرا از توقف می‌ترسیم؟

علیرضا وکیلی | در دنیایی زندگی می‌کنیم که سرعت به فضیلت تبدیل شده است و همه جا فریاد می‌زنند: «فقط حرکت کن، معطل نکن، عقب می‌افتی!» این هراس دائمی از جاماندن، ما را به موقعیتی می‌کشاند که بدون دیدبانی درست، درحالی‌که مسیر کاملاً مبهم است، کورکورانه قدم به جاده بگذاریم. گمان می‌کنیم هراقدامی، نشانه شجاعت است و هر درنگی نشانه ضعف، درحالی‌که گاهی بزرگ‌ترین شجاعت، توانایی توقف کردن است.

حضرت امیرالمؤمنین علی^(ع) در وصیت پدانه‌شان به امام حسن مجتبی^(ع)، دقیقاً بر همین گلوگاه خطرناک دست می‌گذارند: «والمسک عن طریق إذا خفت ضلالتك فإن الكفة عند حيرة الضلال خير من ركوب الأهوال». و از پیمودن راهی که از گمراهی‌اش بیم داری، بایست؛ زیرا خودداری کردن در هنگام سرگردانی، بهتر از افتادن در ورطه هول و هراس است. اگر در فراز پیشین، پدربه فرزند آموخت که زبان را در نادانسته‌ها مهار کند، اکنون فرمان ایست را به قدم‌ها می‌دهد. امام^(ع) یادآوری می‌کند که ترس منطقی و برخاسته از عقل، نه نشانه ضعف، بلکه زنگ خطر حیاتی است. وقتی نشانه‌های یک مسیر، مبهم و مشکوک است - خواه سرمایه‌گذاری پرریسکی که منطقی شفاف نیست، خواه شراکت‌کاری عجولانه یا پیوندی عاطفی که تمام زنگ‌های خطر در آن به صدا درآمده است- اصرار بر ادامه دادن، شجاعت نیست؛ قمار بر سر زندگی است.

بسیاری از خسارت‌های سنگین فردی و جمعی ما از سرب‌خبری نیست. از سر و حشت از «توقف» است؛ اینکه به دیگران چه بگوییم، چگونه بپذیریم مردد شده‌ایم و ایستاده‌ایم؟ این ترس، از این واکنش اطرافیان است که ما را هل می‌دهد و ارد مه شویم. اما امیرالمؤمنین امام علی^(ع) قاعده‌ای روشن به دست می‌دهند: فشار ابهام و سرگردانی هر قدر هم سنگین باشد، هزینه‌اش بی‌اندازه کمتر از بهایابی است که ورود به گردابی پر مخاطره و جبران‌ناپذیر بر ما تحمیل می‌کند. ایستادن و دست نگه داشتن در مسیرهای مشکوک، نشانه ترس فلج‌کننده نیست، علامت بلوغ عقلی انسانی است که برای جان، روح و آینده‌اش، حرمت قائل است. پدانه اگر به این عبارت گوش بسپاریم، پیامش روشن است: هرگز برای اینکه صرفاً «کاری کرده باشیم»، وارد راهی نشویم که پایانش، خاکستری است. در ابهام، ترمز گرفتن، نجات‌بخش‌ترین تصمیم است.

احکام

بررسی نظر مراجع تقلید درباره جلوگیری از فساد توسط مردم در صورت کوتاهی مسئولان

سمانه رضوانی | یکی از مسائل مهم در جامعه اسلامی، این است که هرگاه مسئولان دولت اسلامی در انجام وظایف خود برای پیشگیری از فساد کوتاهی کنند، آیا مردم خود می‌توانند بدون واسطه، وارد عمل شوند و جلوی فساد را بگیرند؟ این پرسش از آن نظر اهمیت دارد که فساد در هر سطحی، آثار زیان‌بار اجتماعی و اخلاقی به دنبال دارد و مقابله نکردن با آن، می‌تواند به گسترش گناه منجر شود. اما پاسخ به این پرسش، نیازمند مراجعه به آرای فقهایست تا مشخص شود که حدود دخالت مردم در این زمینه چیست.

شهید آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای

اقدام خودسرانه افراد در کارهایی که وظیفه قانونی قوای انتظامی و قوه قضاییه است، جایز نیست، ولی در حد امریه معروف و نهی‌ای از منکر با مراعات شروط آن، اشکال ندارد.

آیت‌الله العظمی ناصر مکارم شیرازی

این مرحله از امریه معروف و نهی‌ای از منکر بلکه به طور کلی مرحله فیزیکی و برخورد با مجرم، برعهده حکومت اسلامی است و افراد دیگر حق دخالت ندارند.

آیت‌الله العظمی سید علی سیستانی

احتیاط واجب آن است که در انتخاب مرتبه سوم امریه معروف یعنی اجرائیات عملی، از حاکم شرع اجازه بگیرد.

نتیجه‌گیری

برایند این آرا، آن است که مردم در صورت کوتاهی مسئولان، نمی‌توانند خودسرانه و با اعمال قدرت جلوی فساد را بگیرند، بلکه تنها در چارچوب امریه معروف و نهی‌ای از منکر و با رعایت شرایط شرعی و در برخی موارد با اجازه حاکم شرع، می‌توانند نقش آفرین باشند. این رویکرد، هم از هرج و مرج و اقدامات خودسرانه جلوگیری می‌کند و هم مسئولیت اصلی مبارزه با فساد را بر دوش نهاد‌های رسمی حفظ می‌کند. بنابراین مشارکت مردمی در این عرصه، باید در چارچوب شرع و قانون باشد، نه به صورت خودسرانه و خارج از ضوابط تعیین شده.



بررسی ظرفیت‌های هوش مصنوعی برای خدمت به دین در گفت‌وگو با رئیس مرکز ملی پاسخگویی به سؤالات دینی

فناوری، خادم دین باشد نه رقیب آن



آمنه مستقیمی | این روزها کمتر کسی است که اسم هوش مصنوعی و کاربرد هایش را شنیده باشد یا خودکار بر آن نباشد. تاجایی‌که گاه شاهدیم پاسخ سؤالات دینی و تربیت‌فرزندان از هوش مصنوعی طلب می‌کنند. برای اینکه بدانیم در حوزه‌های دینی مذهبی تا کجا می‌توان به این فناوری تکیه کرد، با حجت الاسلام والمسلمین احمد اولیایی، رئیس مرکز ملی پاسخگویی به سؤالات دینی، گفت‌وگو کرده‌ایم.



آینده رابطه دین و هوش مصنوعی

آینده رابطه علم و دین در مواجهه با هوش مصنوعی، نیازمند رویکردی هم‌افزا و گفت‌وگومحور است. از یک سو، نهاد‌های دینی باید با استفاده هوشمندانه از فناوری‌های نوین، خدمات خود را در دسترس‌تر و کارآمدتر کنند. تجربه مرکز ملی پاسخگویی نشان می‌دهد که این مسیر، ممکن است و می‌تواند ضمن حفظ اصالت محتوا، ظرفیت پاسخگویی را به‌طور چشمگیری افزایش دهد. همچنین، نهاد علم باید ظرفیت‌های اخلاقی و معنوی را در طراحی و توسعه سیستم‌های هوش مصنوعی لحاظ کند. همکاری بین‌رشته‌ای میان متخصصان حقوق، فناوری و اخلاق برای تضمین هم‌گامی هوش مصنوعی با پیشرفت‌های فناورانه و پرداختن به مسائل اخلاقی، معنوی و اجتماعی، ضروری است.

فناوری باید در خدمت فطرت انسانی باشد

آنچه باید انجام شود، حرکت به سمت الگویی است که در آن فناوری در خدمت فطرت الهی انسان قرار گیرد و ضمن بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی، ارزش‌های دینی و اخلاقی حفظ شود. این مسیر نیازمند گفت‌وگو مستمر میان عالمان دین، متخصصان فناوری و اندیشمندان حوزه اخلاق است تا هوش مصنوعی به ابزاری برای تعالی انسان و جامعه تبدیل شود، نه عاملی برای تضعیف پیوندهای انسانی و معنوی.

مرکز ملی پاسخگویی به سؤالات دینی وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، نهادی با حدود هجده سال سابقه است که در هشت گروه علمی تخصصی کلام و اعتقادات، فقه و احکام، قرآن و حدیث، تاریخ و سیره، مشاوره و روان‌شناسی، مسائل سیاسی و اجتماعی و اخلاق و تربیت فعالیت می‌کند. این مرکز روزانه به‌طور میانگین پاسخگوی حدود ۱۲ هزار پرسش از طریق بسترهای متنوعی مانند تلفن، ایمیل، پیامک، روبات‌های پیام‌رسان و صندوق صوتی است. به، این مرکز از هوش مصنوعی استفاده می‌کند. سامانه «دین‌دان» محصول بومی مرکز است که از سال ۱۳۹۸ راه‌اندازی این هوش مصنوعی آغاز و در سال ۱۴۰۳ رونمایی شد. این سامانه با تکیه بر ده‌ها میلیون داده تخصصی پرسش‌وپاسخ دینی و مدل زبانی طراحی شده بومی، هم‌اکنون حدود ۳ هزار پرسش را در روز پاسخ می‌دهد که ظرفیتی معادل فعالیت پنجاه تا هفتاد پاسخگوی انسانی دارد. میزان انطباق پاسخ‌های سامانه «دین‌دان» با پاسخ‌های کارشناسی حدود ۹۵ درصد است و عملکرد آن به شکل مستمر، نظارت و ارزیابی می‌شود. داده‌ها از بانک اطلاعاتی ده‌ها میلیون پرسش‌وپاسخ تخصصی، تأمین می‌شود که پس از تفکیک و اولویت‌بندی مورد استفاده قرار می‌گیرند.



حجت الاسلام والمسلمین اولیایی:

هوش مصنوعی می‌تواند به عنوان یک ابزار مکمل در تربیت استفاده شود، اما نمی‌تواند جایگزین نقش محوری والدین در تربیت دینی و عاطفی فرزندان باشد



ظرفیت‌های هوش مصنوعی برای پاسخگویی دینی

استفاده از هوش مصنوعی به عنوان ابزار کمکی در پاسخگویی دینی، رویکردی معقول و ضروری است، به شرطی که چارچوب‌های اخلاقی و علمی آن رعایت شود. تجربه مرکز ملی پاسخگویی در سامانه «دین‌دان»، نشان می‌دهد که این فناوری می‌تواند به عنوان «دستیار هوشمند» در کنار کارشناسان انسانی عمل کند، نه جایگزین آن‌ها. فلسفه اصلی این رویکرد، پاسخ سریع‌تر به پرسش‌های ساده، پرتکرار و عمومی است تا پاسخگویان حرفه‌ای، فرصت بیشتری برای تمرکز بر مسائل پیچیده و پرسش‌های تخصصی داشته باشند.

فناوری، جایگزین روش‌های انسانی نمی‌شود

نکته مهم در مواجهه با هوش مصنوعی، این است که این فناوری نمی‌تواند جای روش‌های سنتی را بگیرد؛ پاسخگویی دینی صرفاً ارائه یک جواب کوتاه نیست؛ در بسیاری مواقع نیازمند گفت‌وگو با مخاطب، طرح پرسش‌های تکمیلی، شناخت دقیق مسئله و در صورت لزوم، ارجاع فرد به بخش‌های تخصصی دیگر است. این بخش از فرایند، همچنین نیازمند حضور و نقش‌آفرینی پاسخگویان انسانی و روحانیان است و فناوری نمی‌تواند به‌طور کامل جایگزین ارتباط انسانی شود.

جای نقش تربیتی خانواده را نمی‌گیرد

گاه با والدینی مواجه می‌شویم که در تربیت فرزند یا پاسخ به سؤالات فرزندان خود به هوش مصنوعی متوسل می‌شوند. باید توجه داشت که در تربیت فرزند، رویکرد باید آگاهانه و نقادانه باشد. تحقیقات نشان می‌دهد که هوش مصنوعی و پلتفرم‌های دیجیتال می‌توانند در شکل‌گیری شخصیت اسلامی کودکان از طریق تجربیات یادگیری تعاملی و بصری که رشد اخلاقی و معنوی را فراهم می‌کنند، مؤثر باشند، با این حال استفاده غیرهدفمند و فاقد چارچوب اخلاقی از هوش مصنوعی، می‌تواند به تضعیف نقش تربیتی خانواده و کاهش ارتباطات عاطفی و انسانی منجر شود.

عمق عاطفی و معنوی را کم دارد

یادگیری دیجیتال اگرچه انعطاف‌پذیری و دسترسی ارائه می‌دهد، در عمق عاطفی و تجربه معنوی که روش‌های سنتی تربیت اسلامی مانند الگوسازی، نصیحت و عادت‌دهی دارند کمبود دارد. لذا هوش مصنوعی می‌تواند به عنوان یک ابزار مکمل در تربیت استفاده شود، اما نمی‌تواند جایگزین نقش محوری والدین در تربیت دینی و عاطفی فرزندان باشد.

هوش مصنوعی را جایگزین تفکر انتقادی نکنیم

هوش مصنوعی می‌تواند به فرایند‌های پژوهشی به‌طور چشمگیری سرعت ببخشد؛ برای مثال، سیستم‌های چند عاملی هوش مصنوعی قادرند در مدت چند دقیقه صدها مقاله را تحلیل کنند، درحالی‌که این کار برای یک انسان، ساعت‌ها زمان می‌برد اما هشدارهایی هم وجود دارد. استفاده غیرانتقادی از هوش مصنوعی در علم، به کاهش نوآوری و همکاری‌های علمی منجر می‌شود. خطر دیگر، صنعتی شدن پژوهش و تولید انبوه مقالات با روش‌های مشابه و نتایج شبیه به هم است. بنابراین هوش مصنوعی باید به عنوان ابزار تقویت‌توانمندی پژوهشی مورد استفاده قرار گیرد، نه جایگزین تفکر انتقادی و خلاقیت انسانی.

عیار ایمان؛ وقتی شعارها در کوره «فتنه» محک می‌خورند

اثبات ادعای ایمانی است که بر زبان جاری کرده‌ایم. ایمان، یک موجود زنده است که باید در پیچ‌وخم‌های زندگی، در دشواری‌های جهاد و در لحظات خفیه تصمیم، تنفس کند و قد بکشد.

در نهایت، باید از خود پرسیم: ایمان ما چقدر به میدان عمل رسیده است؟ چقدر برای دفاع از حقیقت دین، هزینه داده‌ایم؟ آیا در صف بندی‌های روشن جبهه حق و باطل، صدای ایمانمان از شعارهایمان، بلندتر است یا فقط در جاشیه امن زندگی، به نماز و روزه‌ای بسنده کرده‌ایم؟ یادمان باشد که «مانا، گفتن صرف، مجوز عبور از ایستگاه‌های سخت‌آزمایش الهی نیست. حقیقت ایمان، در عبور سربلندانه از همین فتنه‌هاست. اگر عیار ایمانمان در این کوره، به آتش مقاومت نسوزد و خالص نشود، باید در اصلت آن تردید کرد.

برگفته از خطبه‌های نماز جمعه مشهد به امامت آیت‌الله سید احمد علم‌الهدی تنظیم، حجت الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

وجودی انسان را می‌سوزانند. اگر کسی در برابر توطئه‌های دشمن، در میدان دفاع از ارزش‌ها، در مجاهدت برای نصرت دین و در پشتیبانی از حق ایستادگی نکند، چگونه می‌تواند ادعای هم‌ترازی با مؤمنان واقعی را داشته باشد؟ ایستادگی در میدان، تنها یک کنش سیاسی نیست؛ یک شاخصه ایمانی است.

تفاوت ایمان واقعی با ایمان شعاری در همین «هزینه دادن» است. کسی که جان و امنیتش را در راه دفاع از دین به خطر می‌اندازد، با کسی که دین‌داری را در ارقامه نمازهای فردی، خلاصه کرده است و در بزنگاه‌های تاریخی، سکوت یا عقب‌نشینی پیش می‌کند، در یک کفه ترازو نیستند. ایمان واقعی، همان «مقاومت» است؛ همان سینه‌سپر کردن در برابر دشمن و فراهم کردن اسباب مقابله با توطئه.

امروز میدان آزمایش ما همان عرصه‌هایی است که دشمن با هدف تزلزل در برابر‌ها به آن یورش برده است. وقتی دشمن، ایمان، دین و ارزش‌هایمان را در معرض تهدید قرار می‌دهد، هرگونه انفعال به معنای ناتوانی در

دینی‌که نه از جانمان مایه ببرد، نه ریسک و خطری به زندگی‌مان تحمیل کند و نه امنیت روزمره‌مان را به چالش بکشد. این همان «ایمان‌پنداری» است که در برابر اولین تندباد حوادث، فرو می‌ریزد. حقیقت تلخ این است که دین‌داری واقعی، نه در خلوتگاه‌های امن، بلکه در هنگامه هجوم فتنه‌ها و فشارهای دشمن شناخته می‌شود.

قرآن کریم با اشاره به سیره مجاهدان صدر اسلام، مانند عمار یاسر که زیر شکنجه‌های طاقت‌فرسای مشرکان، دره‌ای از خط ایمان عقب‌نشینی نکرد، معیار را به روشنی تبیین می‌کند. در آن سو نیز منافقانی بودند که تا زمانی که فضای جامعه دینی امن بود، خود را پیرو پیامبر^(ص) می‌دانستند، اما به محض آنکه تیغ آزار دشمن به سمتشان چرخید، از ایمان خود دست‌شستند و حتی به مقدسات پشت کردند.

آزمایش الهی، یک ضرورت برای ارتقای معنوی است. همان‌طور که طلا در کوره آتش، عیارش مشخص می‌شود، فتنه‌ها نیز ناخالصی‌های

در فضای آرام و بی‌دغدغه، همه چیز رنگ و بوی دین‌داری دارد. وقتی خطری نیست یا تهدیدی متوجه ارزش‌ها نیست و معیشت و آرامش زندگی‌مان بر مدار عادی می‌چرخد، ادعای ایمان، کار دشواری نیست. اما پرسش بنیادی قرآن کریم در دومین آیه سوره مبارک «عنکبوت»، دقیقاً دست روی همین نقطه می‌گذارد، «ایا مردم گمان کرده‌اند همین‌که گفتند ایمان آوردیم، رها می‌شوند و مورد آزمایش قرار نمی‌گیرند؟» این استفهام انکاری، هشدار است برای همه ما؛ هشداری که می‌گوید در درگاه الهی، «سرمایه» ایمان با «ادعای» ایمان، تفاوت ماهوی دارد. ایمان، فراتر از یک شعار زبانی یا انتساب شناسنامه‌ای به جامعه مسلمین، یک حقیقت جاری است که فقط در میدان، معنا می‌یابد و عیار آن در کوره «فتنه» و فشار مشخص می‌شود.

بسیاری از ما، ناخودآگاه به دنبال دینی بی‌هزینه هستیم؛ شریعتی که تنها در دایره عبادات فردی بی‌درسر خلاصه شود؛